

بررسی میزان اثربخشی برنامه درسی رسته انتظامی از دیدگاه دانش‌آموختگان این رسته در سال‌های ۸۵ تا ۹۰

پذیرش مقاله: ۹۱/۲/۱۹

دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۱۷

صادق رضایی^۱

چکیده

تحقیق حاضر، به منظور آگاهی از اثربخشی برنامه درسی ارایه شده در رسته انتظامی، از دیدگاه دانش‌آموختگان اجرا گردیده است. این پژوهش که با رویکرد کاربردی صورت می‌گیرد، با هدف تبیین و توصیف میزان مأموریت‌گرایی آموزش‌های طولی در دانشگاه علوم انتظامی صورت می‌گیرد و از نظر داده‌ها کمی و از نظر ماهیت و نوع مطالعه پیمایشی مقطعی است. جامعه مورد مطالعه را کلیه فارغ‌التحصیلان دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی در رسته انتظامی در سال‌های ۸۵ تا ۹۰ تشکیل می‌دهد. براساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و فرمول تعیین حجم نمونه، نمونه مطالعه حاضر را ۱۲۸ نفر تشکیل می‌دهد که بر روی گروه نمونه ۱ ابزار پرسشنامه محقق ساخته ۲۱ سؤالی اجرا و به کمک روش‌های آماری توصیفی و استنباطی از جمله آزمون t تک نمونه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج پژوهش حاضر، بیانگر آن است که در رسته انتظامی، دروس عمومی و دروس اصلی با مأموریت‌های محوله ناجا انطباق ندارد؛ اما دروس پایه و دروس تخصصی با مأموریت‌های محوله ناجا منطبق است.

کلیدواژه‌ها

برنامه آموزشی / برنامه درسی / رسته انتظامی

مقدمه

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از آرمانی‌ترین و حیاتی‌ترین سیستم‌های اجتماعی هر نظام و نهاد هستند که علاوه بر رسالت تولید و انتقال دانش به جامعه، رسالت پرورش انسان‌های توسعه‌یافته را بر عهده دارند. دانشگاه بستر توسعه و تحول در هر نظام اجتماعی، سیاسی، نظامی و... است و لازمه هر تحول و توسعه پایدار، وجود نیروهای کارآفرین دانشگاهی است؛ از طرف دیگر به دلایل متعددی، مانند: اهمیت اجتماعی، حساسیت عمومی، پیچیدگی وظایف، نزدیکی وظایف، تربیت حرفه‌ای، دشواری ارزشیابی، مداومت فرآیند یاددهی و یادگیری، ساختار آموزشی و... وظایف دانشگاه‌ها را حساس‌تر و حیاتی‌تر نموده است. دانشگاه معادل انسانیت و جایی برای تحمل، بردباری، استدلال، فعالیت‌های ایده‌آل، جستجوی حقیقت، کسب اهداف عالی و... است که اگر رسالت خود را به درستی انجام دهد، جامعه سرشار از پویایی، تحول و توسعه خواهد شد.

نیروی انتظامی رسالت تربیت و پرورش منابع انسانی لازم برای حفظ نظم، امنیت اجتماعی و عدالت اجتماعی را به عهده دارد و حساس‌ترین و آرمانی‌ترین نهاد در جمهوری اسلامی ایران است؛ چون با مردم برخورد دارد. برهمگان روشن است؛ توسعه امنیت و آرامش به عنوان زیر ساخت لازم برای هرگونه توسعه دیگر در کشور اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگ محسوب می‌شود. این مقدمه، نقش و اهمیت رسالت نیروی انتظامی را نمایان می‌سازد و این رسالت بردوش فرماندهان و افسران است. این افسران با مردم و شهروندان در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ هستند. از آنجایی که وظیفه تربیت این افسران به عهده دانشگاه علوم انتظامی است باید با برنامه‌ریزی صحیح و متقن در امر آموزش، تمام توان خود را به کار بسته و نقش تربیتی خود را در زمینه‌های مختلف به نحو احسن ایفا نماید.

بیان مسئله

امروزه آموزش یکی از پیچیده‌ترین وظایف در اداره هر سازمان می‌باشد و موجب نیل به هدف‌های عالی هر سازمان می‌گردد و فقدان یک آموزش صحیح، یکی از مسائل و معضلات هر سازمان است. البته باید این آموزش با پویایی جامعه همخوان باشد و ضمن توجه به نیازهای افراد، هدف‌های سازمانی را نیز دربرگیرد. ضمناً این آموزش، یک فرآیند مستمر و مداوم است و یافته‌های جدید را نیز دربرمی‌گیرد. آموزش به مثابه قلبی است که با هر ضربان خود، خون تازه به تمامی ابعاد و ارکان سازمان می‌رساند و آن را سرشار از اطلاعات تازه، یافته‌های جدید و نوآوری‌های تکنیکی می‌کند و هرگاه که باز ایستد باعث می‌شود که سازمان با اضمحلال عجین شده و کل سیستم به سوی نابودی گراید (فتحی، ۱۳۸۷: ۱۴).

با آموزش صحیح و از پیش طرح‌ریزی شده، می‌توان به هدف ایجاد یادگیری در یادگیرندگان دست یافت (فردانش، ۱۳۷۴).

کی‌یر و هنی (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای، اهم رسالت‌های آموزش عالی را به شرح زیر بیان می‌کند:

- ۱- در زمینه آرمان‌ها و نظام ارزشی جامعه؛
- ۲- در امر تولید و غنا بخشی دانش و فرهنگ؛
- ۳- در امر تربیت نیروی انسانی متخصص؛
- ۴- در جهت تسریع و تسهیل فرآیند توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛
- ۵- برقراری و گسترش ارتباط متقابل میان دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و دیگر بخش‌های علمی، صنعتی، اقتصادی و خدماتی؛
- ۶- ارزیابی و تحلیل منطقی وضع موجود، به منظور تصمیم‌گیری و ترسیم آینده؛
- ۷- اشاعه آزادانه افکار، دموکراسی، وحدت ملی، مشارکت سیاسی و...؛
- ۸- کمک به تحلیل و حل مسایل اساسی که جامعه با آن مواجه است؛

۹- کاشت بذر فرهنگ خدانشناسی، حجیت، اخوت، نظم اجتماعی، وجدان کاری، کارایی، تعهدپذیری، شایستگی در قلوب مردم با مراقبت‌های مستمر علمی، تاریشه گرفتن و نهادینه شدن آنها.

مطالعات کی یروهنی (۱۹۹۲) وظایف دانشگاه‌ها را از تک نقشی^۱ به چند نقشی^۲ و اهم وظایف دانشگاه‌ها را به وظایف پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی و رشد حرفه‌ای ترسیم نموده است؛ از طرفی دایره المعارف آموزش عالی جهان (۲۰۰۰) دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی را به سه دسته زیر تقسیم نموده است (نقل از قورچیان و خورشیدی، ۱۳۸۸):

۱. دانشگاه‌های شایسته گرا: این دانشگاه در بالا بردن استانداردها و هنجارهای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی توجه خاص دارد؛

۲. دانشگاه‌های فردگرا: این دانشگاه‌ها به رشد شخصی دانشجویان و اعضای هیئت علمی توجه ویژه دارد؛

۳. دانشگاه‌های جامعه‌گرا: این دانشگاه‌ها به پاسخگویی به نیازهای جامعه، توجه انحصاری دارند و تولیدشان عیناً به جامعه خود بر می‌گردد.

با توجه به گفته‌های بالا و اهمیت نقش آموزش و همچنین رسالت دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، می‌توان دانشگاه علوم انتظامی را از دانشگاه‌های جامعه‌گرا برشمرد و رسالت آن را تربیت و پرورش منابع انسانی لازم برای حفظ نظم، امنیت اجتماعی و عدالت اجتماعی تعریف نمود. پس لازم است که به‌طور مرتب و مداوم، میزان جامعه‌گرایی آن مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و مدیران این موضوع را رصد نمایند. در تحقیق حاضر مسئله اصلی وضعیت و مطلوبیت کمی و کیفی دوره‌های برگزار شده در رسته انتظامی در دانشگاه علوم انتظامی از حیث مأموریت‌گرایی و جامعه‌گرایی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشگاه مزبور در

پنج سال اخیر می باشد که با عنایت به مطالب فوق، موضوع تحقیق «بررسی میزان اثربخشی برنامه درسی رسته انتظامی از دیدگاه دانش آموختگان این رسته در سال‌های ۸۵ تا ۹۰» می باشد. محقق در این تحقیق به دنبال میزان تطابق برنامه‌های درسی ارایه شده در رسته انتظامی و نیازهای جامعه از دیدگاه دانش آموختگان این رسته می باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

دانشگاه از این جهت که بستر توسعه و تحول در هر نظام اجتماعی، سیاسی، نظامی و... است و به دلایل متعدد دیگر، مانند: اهمیت اجتماعی، حساسیت عمومی، پیچیدگی وظایف، نزدیکی وظایف، تربیت حرفه‌ای، دشواری ارزشیابی، مداومت فرآیند یاددهی و یادگیری، ساختار آموزشی و... امروزه مأموریت و وظایف اش حساس تر و حیاتی تر شده است؛ بنابراین در هزاره سوم که مؤلفه اقتدارآور، دانش و منابع انسانی دانش بنیان می باشد؛ نقش و جایگاه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با اهمیت تر گردیده و از حساسیت مضاعفی برخوردارند. بر این اساس توجه به آنها نیز منجر به افزایش اثربخشی، کارایی و بهره وری دانشگاه و توسعه جامعه می گردد و غفلت از آن موجب هدر رفتن منابع، امکانات، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و ناکارآمدی نظام‌ها می گردد.

از آنجایی که توسعه امنیت و آرامش، به عنوان زیر ساخت لازم برای هرگونه توسعه دیگر در کشور، اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود؛ بنابراین دانشگاه علوم انتظامی ناجا که رسالت تربیت و پرورش منابع انسانی لازم برای حفظ نظم، امنیت اجتماعی و عدالت اجتماعی را بر عهده دارد؛ یکی از حساس ترین و آرمانی ترین نهادهای آموزشی در جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. از این حیث مطالعه و بررسی میزان جامعه گرایی

و مأموریت‌گرایی دانشگاه علوم انتظامی، در توسعه منابع انسانی ناجا و به دنبال آن در توسعه همه جانبه کشور، امری اولویت دار بوده و از اهمیت شایانی برخوردار خواهد بود.

پیشینه پژوهش

در خصوص کاربرد مواد درسی با تصدی فارغ التحصیلان، به‌ویژه در دانشگاه‌های جامعه گرا، پژوهش‌های متعددی انجام شده که به برخی از آنها می‌پردازیم:

- کی‌یر و هنی (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای در دایره المعارف آموزش عالی جهان، چنین نتیجه گرفتند که موفقیت و رضایت شغلی فارغ التحصیلان، به‌ویژه در دانشگاه‌های جامعه گرا، بستگی به انتخاب دروس مورد نیاز آنان از دیدگاه خود آنها دارد؛ به همین دلیل این دو، اهم رسالت دانشگاه‌های جامعه گرا را، وظایف آموزشی، پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی و رشد حرفه‌ای می‌دانند.

در راستای پژوهش حاضر مطالعاتی به عمل آمده که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

- زمانی (۱۳۷۷) در پژوهشی تحت عنوان «نقش برنامه‌های آموزشی دانشکده افسری در کارایی افسران فارغ التحصیل» به ارزیابی برنامه‌های آموزشی دانشکده افسری ناجا و تأثیر آن در افزایش کارایی فارغ التحصیلان پرداخته است. نامبرده معتقد است؛ برنامه ریزی آموزشی و اجرای برنامه‌های آموزشی به شکل موجود، پاسخگوی نیازهای سازمان در انجام مأموریت‌های محوله نیست و از یک روش منطقی پیروی نمی‌کند.

- سیاوشی (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان انطباق محتوایی آموزش دافوس انتظامی با کاربردی بودن آن در جهت اجرای مأموریت‌های ناجا» به ارزیابی کاربرد آموزش‌های دافوس ناجا در مأموریت‌های محوله پرداخته است. نامبرده پس

از جمع بندی و بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات خود، گذراندن دوره دافوس را، در افزایش کارایی فارغ التحصیلان آن مؤثر دانسته، همچنین شکل اجرای کارورزی‌ها را در جامعه گرایی و کاربردی بودن دوره دافوس، مؤثر نمی داند.

فتح الهی (۱۳۸۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی موانع اساسی اجرای موفق برنامه‌های آموزشی دوره کاردانی دانشگاه علوم انتظامی با مأموریت‌های واگذارشده» به مطالعه جامعه گرایی دانشگاه ناجا پرداخته است؛ نامبرده پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات و جمع بندی، شرکت دانشجویان در مأموریت‌های غیر اصلی همچون: پاسداری و تمرین زیاد جهت مراسم سردوشی و دانش آموختگی، توجه بیش از حد به بعد نظامی گری، بی توجهی به نظرات اصلاحی دانشجویان از سوی مسئولان آموزش و اجباری بودن واحدهای آموزشی را از عواملی دانسته که نقش به‌سزایی در عدم اجرای موفق برنامه‌های آموزشی دارند.

قرقانی (۱۳۸۲) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی وضعیت آموزشی دانشکده پلیس» به تأثیر موفقیت بالای مدرسان دانشگاه علوم انتظامی و همچنین سازوکارهای آموزشی در پیشبرد اهداف آموزشی رسیده است.

موسوی (۱۳۸۵) در مطالعه ای در خصوص مؤلفه‌های بهره وری دانشگاه، تجزیه و تحلیل مستمر عوامل درون داد (دانشجو، هیئت علمی، برنامه درسی و...)، فرآیند (تدریس، یادگیری) و برون داد (دانش آموختگان و...) در حد مطلوب را مورد تأکید قرار داده و حاصل آن را در جهت بهبود امور آموزشی، پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی، رشد حرفه ای و عرضه خدمات تخصصی به جامعه، مورد استفاده تصمیم گیرندگان مهم می داند.

رضایی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی با رضایتمندی آنان نسبت به رسته شغلی»، اطلاع رسانی قبل از شروع دوره، درخصوص برنامه آموزشی هر یک از رسته ها را، عامل بسیار مهمی

در جهت پیشرفت تحصیلی و به دنبال آن تحقق اهداف ناجا بر شمرده است.

-آندرسون^۱(۱۹۹۴) در پژوهشی پیرامون وظایف پلیس کشور ژاپن، عنوان داشته که از سال ۱۸۷۴ کشور ژاپن، خدمات پلیسی خود را به سبک اروپایی؛ یعنی سیستم پلیس مدنی تغییر داد که در آن، نحوه استخدام و گزینش افسران و نیروهای پلیس تقریباً مانند کشورهای اروپایی انجام می شد و از نظر سلسله مراتبی بودن و ساختار، تحت تمرکز وزارتخانه بوده و وظایف آن بیشتر در مورد برقراری نظم و مقابله با اختلالات داخلی بود. از سال ۱۸۸۰ وظایف پلیس این کشور گسترش پیدا کرده و مستقیماً زیر نظر دولت انجام گرفت که وظایفی همچون: پشتیبانی از رهبران محلی، اجرای اخلاق عمومی، ایجاد وحدت پیشگیری از آتش سوزی، سیستم تنظیم بهداشت عمومی، کسب و کار کارخانه‌ها، ساخت و ساز، صدور و جواز پروانه و جلوگیری از هرگونه بی نظمی را به عهده داشت.

-ریموند^۲ (۲۰۰۸) در خصوص نقش و وظایف پلیس فرانسه بیان داشته که اولین نیروی پلیس در مفهوم مدرن در فرانسه، توسط شاه لوئیس چهاردهم در سال ۱۶۶۷ در شهر پاریس تأسیس شد و فراخوان استخدام آن در ۱۵ مارس ۱۶۶۷ اعلام گردید. پلیس فرانسه نیز به دلیل چند ملیتی بودن، به مناطق مختلف تقسیم و برحسب نیاز مناطق آموزش‌های لازم را فرا می‌گرفت و همانند پلیس کشورهای دیگر که ذکر شد، آموزش‌هایی در راستای طبقه‌بندی به عمل آمده، طی می نمودند. این آموزش‌ها به‌طور عمومی، شامل: آموزش‌های پیشگیرانه از جرم و جنایت، رانندگی، مقابله با گروگانگیری و ... می باشد.

1- Anderson, Geoff,
2- Raymond, A. Neo

سؤال‌های پژوهش

با توجه به هدف اصلی پژوهش حاضر که بررسی میزان اثربخشی برنامه درسی رسته انتظامی از دیدگاه دانش‌آموختگان این رسته (میزان تطابق دروس و محتوای آموزشی ارایه شده با نیازهای آتی افسران فارغ‌التحصیل) می‌باشد پس از مطالعات کتابخانه‌ای و پیشینه تحقیق، سؤال‌های زیر مطرح و بر آن اساس، تحقیق هدایت و راهبری گردید.

• آیا بین دروس عمومی ارایه شده در رسته انتظامی، با مأموریت‌های محوله به پایوران تطابق وجود دارد؟

• آیا بین دروس پایه ارایه شده در رسته انتظامی، با مأموریت‌های محوله ناجا تطابق وجود دارد؟

• آیا بین دروس اصلی ارایه شده در رسته انتظامی، (از دیدگاه دانش‌آموختگان رسته انتظامی) با مأموریت‌های محوله ناجا تطابق وجود دارد؟

• آیا بین دروس تخصصی ارایه شده در رسته انتظامی (از دیدگاه دانش‌آموختگان رسته انتظامی) با مأموریت‌های محوله ناجا تطابق وجود دارد؟

روش تحقیق

این تحقیق که با جهت‌گیری کاربردی صورت می‌گیرد، از نظر داده‌ها کمی و از نظر ماهیت و نوع مطالعه، پیمایشی-مقطعی است. هدف تحقیق توصیف‌نگرش جامعه آماری تحقیق و مطالعه میزان انطباق برنامه درسی رسته انتظامی، با وظایف محوله ناجا از دیدگاه دانش‌آموختگان این رسته است.

جامعه آماری تحقیق را دانش‌آموختگان دانشگاه علوم انتظامی در رسته انتظامی تشکیل می‌دهد که در سال‌های ۸۵ تا ۸۹ دوره خود را به پایان رسانده و در یگان‌های انتظامی در سطح کشور، مشغول خدمت می‌باشند.

نمونه مورد مطالعه بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه^۱ ۱۲۸ نفر بوده و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد. در زمینه ابزار سنجش تحقیق، باید گفت داده‌های این پژوهش به وسیله یک پرسشنامه محقق ساخته، تأمین گردیده که در این پرسشنامه، کلیه دروس ارایه شده در رشته انتظامی که در ایجاد امنیت و انتظام اجتماعی بیشترین تأثیر را دارند، مورد سنجش قرار گرفته است.

برای روایی پرسشنامه‌ها، از روش روایی^۲ صوری؛ یعنی تأیید متخصصان استفاده شده است و ۱۲ نفر از خبرگان و کارشناسان در تأمین آن شرکت داشتند. برای سنجش پایایی آنها از ضریب آلفای کرونباخ و نرم‌افزار SPSS، در دو مرحله استفاده شده است. مقدار آلفای به دست آمده ضریب ۸۵ درصد بود که از لحاظ آماری رضایت بخش محسوب می‌شود. برای تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، علاوه بر توصیف داده‌ها با استفاده از شاخص‌های تمرکزی و پراکنندگی آماری، از روش آزمون آماری موسوم به t یک^۳ نمونه‌ای، برای بخش استنباطی استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش، به شرح زیر انجام شده است:
الف) توصیف داده‌ها: توصیف مقدماتی داده‌های پژوهش که در این بخش ارایه می‌شود، با استفاده از جداول مشخصه‌های آماری صورت گرفته است. که در زیر به ترتیب جداول مذکور، آورده شده است.

۱- اچ اس یولا (۱۹۷۰) ترجمه خدایار ایلی (۱۳۷۵) انتشارات بین المللی آموزش بزرگسالان

2- validity

3- One-sample-T test

جدول ۱: مشخصه‌های آماری پاسخگویان

	اندازه نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	دامنه	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی	واریانس
دروس عمومی رسته انتظامی	۱۱	۳.۹۴۵۵	/۴۳۹.۰۱	۱.۴۰	۳.۲۰	۴.۶۰	/۰.۰۷	-/۳۴۳	/۱۹۳
دروس پایه رسته انتظامی	۱۱	۴.۲۱۸۲	/۳۰۲.۷۱	۱.۲۰	۳.۶۰	۴.۸۰	-/۱۸۵	۱.۶۹۴	/۰۹۲
دروس اصلی رسته انتظامی	۱۱	۴.۲۰۷۸	/۴۴۴.۳۰	۱.۷۱	۳.۱۴	۴.۸۶	-۱.۱۲۹	۳.۰۶۰	/۱۹۷
دروس تخصصی انتظامی	۱۱	۳.۹۷۷۳	/۸۴۷.۴۶	۲.۵۰	۲.۵۰	۵	-/۷۹۰	-/۶۹۳	/۷۱۸

تجزیه و تحلیل

به منظور تعمیم نتایج پژوهش به جامعه ای که نمونه از آن استخراج شده، از آزمون آماری موسوم به t تک نمونه ای استفاده شده که نتایج این آزمون به ترتیب در جدول صفحه بعد نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون t مربوط به فرضیه‌های اتا۴ (رسته انتظامی)

	مقدار آزمون = ۴					
	t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	۰.۹۵ درصد فاصله اطمینان	
					حد بالا	حد پایین
آزمون ۱	.۴۲۷	۷۵	.۶۷۰	.۲۶۳۲	-۰.۹۶۴	.۱۴۹۰
آزمون ۲	۲.۱۹۴	۷۵	.۰۳۱	.۱۴۲۱۱	۰.۱۳۱	.۲۷۱۱
آزمون ۳	۱.۳۳۸	۷۵	.۱۸۵	.۹۳۹۸	-۰.۴۶۰	.۲۳۴۰
آزمون ۴	-۲.۸۷۶	۷۵	.۰۰۵	-۰.۲۹۲۷۶	-۰.۴۹۵۵	-۰.۹۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون t ، برای فرضیه یک مشخص گردید؛ چون مقدار سطح معناداری آزمون یعنی مقدار ۰.۶۷۰ ، از مقدار آلفای آزمون؛ یعنی مقدار ۰.۰۵ بیشتر می باشد؛ در نتیجه فرضیه H_0 تأیید گردیده و فرضیه پژوهش رد می گردد؛ یعنی دروس عمومی رسته انتظامی از دیدگاه دانش آموختگان این رسته، با مأموریت‌های محوله ناجا انطباق ندارد.

برای فرضیه دوم مشخص گردید؛ چون مقدار سطح معناداری آزمون؛ یعنی مقدار ۰.۰۳۱ ، از مقدار آلفای آزمون؛ یعنی مقدار ۰.۰۵ کمتر می باشد؛ در نتیجه فرضیه H_0 رد می گردد و ادعای پژوهش تأیید می گردد؛ یعنی دروس پایه رسته انتظامی از دیدگاه دانش آموختگان این رسته، با مأموریت‌های محوله به آنان انطباق داشته است.

در مورد فرضیه سوم مشخص گردید؛ چون مقدار سطح معناداری آزمون؛ یعنی مقدار ۰.۱۸۵ ، از مقدار آلفای آزمون؛ یعنی مقدار ۰.۰۵ بزرگ تر می باشد؛ در نتیجه فرضیه H_0 تأیید می گردد و ادعای پژوهش رد می شود؛ یعنی دروس اصلی ارایه شده در رسته انتظامی از دیدگاه دانش آموختگان رسته انتظامی، با مأموریت‌های

محوه ناجا انطباق ندارد.

برای فرضیه چهارم مشخص گردید؛ چون مقدار سطح معناداری آزمون؛ یعنی مقدار $0.05/0$ از مقدار آلفای آزمون یعنی مقدار 0.05 کوچک تر می باشد؛ در نتیجه فرضیه H_0 رد می گردد و ادعای پژوهش تأیید می شود؛ یعنی دروس تخصصی ارایه شده در رسته انتظامی از دیدگاه دانش آموختگان رسته انتظامی، با مأموریت های محوله ناجا انطباق دارد.

نتیجه گیری

داده های پژوهش حاضر، به وسیله یک پرسشنامه محقق ساخته، به دست آمده که به وسیله آزمون t ، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج آن بیانگر مطالب زیر است:

نخستین یافته پژوهش حاضر، بیانگر آن است که فرضیه صفر رد نمی شود؛ به این معنی که تطابق دروس عمومی در رسته انتظامی، با مأموریت های محوله ناجا از دیدگاه دانش آموختگان رسته انتظامی رد می شود.

این نتیجه با یافته های زمانی (۱۳۸۴) درباره بررسی اثربخشی برنامه های آموزشی در عملکرد دانشجویان دانشکده انتظامی، در خصوص نتیجه سومین فرضیه تحقیق در مورد مناسب بودن برنامه آموزشی دانشکده انتظامی در یک راستا قرار دارد.

دومین یافته پژوهش، بیانگر آن است که فرضیه صفر رد می شود؛ به این معنی که تطابق دروس پایه در رسته انتظامی با مأموریت های محوله ناجا از دیدگاه دانش آموختگان رسته انتظامی رد نمی شود.

این نتیجه با یافته های زمانی (۱۳۸۴) درباره بررسی اثربخشی برنامه های آموزشی در عملکرد دانشجویان دانشکده انتظامی، در خصوص نتیجه اولین فرضیه تحقیق در مورد تأثیر نظام آموزشی دانشکده انتظامی بر افزایش سطح دانش و مهارت پلیسی

که شامل دروس پایه این رشته می باشد، در یک راستا قرار دارد.

سومین یافته پژوهش، بیانگر آن است که فرضیه صفر رد نمی شود؛ به این معنی که تطابق دروس اصلی در رشته انتظامی با مأموریت‌های محوله ناجا از دیدگاه دانش آموختگان رشته انتظامی رد می شود. این نتیجه با یافته‌های قرقانی (۱۳۸۲) درباره بررسی وضعیت آموزشی دانشگاه علوم انتظامی به موفقیت بالای مدرسان دانشگاه علوم انتظامی و همچنین سازوکارهای آموزشی در پیشبرد اهداف آموزشی، مغایرت دارد.

چهارمین یافته پژوهش، بیانگر آن است که فرضیه صفر رد می شود؛ به این معنی که تطابق دروس تخصصی در رشته انتظامی، با مأموریت‌های محوله ناجا از دیدگاه دانش آموختگان رشته انتظامی رد نمی شود. این نتیجه با یافته‌های حریه (۱۳۷۴) درباره مدیریت آموزشی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و ارزیابی نقش آموزش در تربیت دانشجویان دانشکده افسری ناجا، در یک راستا قرار دارد.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی مانند: محدودیت در انتخاب گروه نمونه و عدم تعمیم آن به کل جامعه، عدم استفاده از مقیاس‌هایی با مضامین متفاوت و طول زیادتر، دشواری در کمی ساختن متغیرها و تظاهر آزمودنی‌ها به رضایت از دروس رشته‌ها می باشد؛ همچنین در راستای نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر پیشنهاد می شود؛ به منظور استفاده از علوم روز دنیا و در راستای تحقق شعار جهانی اندیشیدن و بومی عمل کردن، با اعزام گروهی متشکل از نمایندگان فرماندهی، عقیدتی سیاسی، حفاظت اطلاعات و کارشناسان جوان و خبره به کشورهای جهان؛ می توان با تأمل در نوع آموزش آن کشورها به پلیس، از تجربیات آنها استفاده نموده و در جهت تقویت ارایه برنامه آموزشی به دانشجویان پلیس، گام برداشت. همچنین در جهت ارج نهادن به نظرهای دانشجویان و جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل آنها، یک مرکز پیشنهادها در دانشگاه علوم انتظامی تأسیس و به طور منظم، پس از بررسی

نظرها در راستای اصلاح برنامه آموزشی اقدام شود و نیز از آنجایی که دانش‌آموختگان دانشگاه علوم انتظامی، پس از اتمام دوره ترفیع، وارد عرصه عملی خدمت می‌شوند؛ فاصله چندانی بین مطالب آموخته شده و رویارویی با صحنه‌های واقعی آن مفاهیم، وجود ندارد؛ بنابراین باید تطبیق فضای عملی و نظری وجود داشته باشد. در این راستا پیشنهاد می‌گردد؛ با برگزاری کارگاه‌های عملی دروس اصلی و تخصصی هر رسته، به نیازهای دانشجویان جامعه عمل پوشانده و با کاربردی جلوه دادن مفاهیم آموزش‌های نظری، در جهت تحقق اهداف سازمان که ارایه خدمات مطلوب به مردم و جامعه است (جامعه‌گرایی دانشگاه)، گام برداشت.

منابع

الف) منابع فارسی

- آرمسترانگ، مایکل (۱۳۸۰)، **راهبردهای مدیریت منابع انسانی**، ترجمه دکتر خدایار ایلی و حسن موفق، نشر فرا (تاریخ چاپ به زبان اصلی، ۲۰۱۱).
- ایلی، خدایار (۱۳۸۳)، **آموزش و بهسازی نیروی انسانی**، مدیریت درآموزش و پرورش، شماره ۱۷.
- بولا، اچ، اس (۱۳۷۵). **ارزشیابی طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی برای توسعه**. ترجمه دکتر خدایار ایلی، انتشارات مؤسسه آموزش بزرگسالان.
- خورشیدی، عباس (۱۳۸۲)، **ارزشیابی آموزش**، تهران: انتشارات مدرسه.
- زمانی، غلامحسین؛ مقدس، شهرام (۱۳۸۲)، **آموزش راه دور رهیافتی بی بدیل در نظام آموزش کارکنان**، دانش مدیریت، دانش مدیریت، شماره ۳۹ و ۴۰.
- فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۷)، **نیاز سنجی درآموزش و توسعه منابع انسانی سازمان‌ها**، تهران: انتشارات ایران زمین.

فردانش، هاشم (۱۳۷۴)، مبانی نظری تکنولوژی آموزشی. تهران: انتشارات سمت.
فتح الهی، سعید (۱۳۸۱)، بررسی موانع اساسی اجرای موفق برنامه‌های آموزشی
دوره کاردانی دانشگاه علوم انتظامی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
قورچیان، نادرقلی؛ خورشیدی، عباس (۱۳۸۹). مدیریت در آموزش عالی، چاپ
دهم، تهران: انتشارات فراشناخت اندیشه.

(ب) منابع انگلیسی

- Anderson, Geoff, A Proactive Model For Training Needs Analysis, 1994, ERIC.
- Brown, S. M. (1988). An assessment of ethical dilemmas experienced by university or college counseling.
- Raymond, A. Neo (2008). Employtraining&Development. fourth Edition. McGraw Hill.

Archive of SID